



آسیب شناسی فرهنگ

صدیقه سادات میرزاپور آلهاشم

عضو هیئت علمی (مربی)، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

اگرچه فرهنگ، زیربنای جامعه انسانی است و گستره‌ی معنایی وسیعی دارد که شامل کلیه عادات رسوم باورها اخلاقیات می شود اما از عواملی مانند زبان، ادبیات، هنر، باورها و حتی اندیشه‌های سیاسی و دینی تأثیر می پذیرد. اگر این عوامل، دچار کاستی و ضعف شوند می تواند بر تنزل فرهنگ جامعه انسانی اثر گذارد. تجربه‌ی زیستی انسان در قالب زندگی فردی و اجتماعی نه تنها می تواند از فرهنگ، تأثیر بپذیرد بلکه بر آن تأثیر نیز می گذارد. پس در مسیر حیات، همواره باید بکوشد مراقب آسیب‌های احتمالی وارد بر فرهنگ باشد. از این رو آسیب شناسی فرهنگ، از اولویتهای جامعه بشری است. در نوشتار حاضر تلاش شده با روش کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی، فرهنگ جامعه آسیب شناسی شود تا نتایج حاصل از آن در جهت بهبود سطح کیفیت فرهنگ جامعه در اختیار دغدغه مندان، تصمیم گیران و تأثیرگذاران فرهنگی قرار گیرد تا افق‌های روشن تری رو به جامعه انسانی باز شود.

واژگان کلیدی: انسان، فرهنگ، آسیب‌ها

مقدمه

اگرچه به دلیل ارائه‌ی تعاریف مختلف از فرهنگ، میان صاحب نظران اتفاق نظری وجود ندارد، اما همچنان از طریق فرهنگ است که می‌توانیم نسبت به نسل‌های پیشین آگاه شویم و این آموخته‌های فرهنگی را به یکدیگر و به نسل‌های بعد انتقال دهیم. اولین بار ادوارد بارت تايلر، مردم شناس انگلیسی زبان، اصطلاح فرهنگ را در سال ۱۸۷۱ میلادی در کتابی به نام فرهنگ ابتدایی به کار گرفت و نوشت: فرهنگ، مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که شامل معارف، باورها، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضوی از اجتماع از همان جامعه فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی بر عهده دارد. اگرچه فرهنگی که مردم شناس از آن سخن می‌گوید با فرهنگی که مدّ نظر فیلسوف یا هنرمند است به ظاهر تفاوت دارد ولی با توجه به همهی تعاریف همسو یا متفاوت می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها و رفتارهای مادی و معنوی افراد یک جامعه دانست که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. پس با چنین تعریفی روشن می‌شود که مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ عبارتند از اکتسابی بودن، رابطه‌ی درونی اجزای فرهنگ، تداوم و تحرّک و پویایی و عمق و پایداری. هر یک از ویژگی‌های برشمرده‌ی فرهنگ می‌تواند مورد آسیب قرار گیرد در این صورت فرهنگ یک جامعه آسیب دیده و رو به انحطاط خواهد رفت. تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی ابعاد مختلف فرهنگ انجام شده است؛ از جمله، آسیب شناسی فرهنگی تولید، آسیب شناسی فرهنگ ایرانی بعد از مغول، آسیب شناسی فرهنگی سیاسی، آسیب شناسی فرهنگی و تمدن اسلامی و پژوهش‌های مختلفی در جنبه‌های گوناگون فرهنگ؛ اما تاکنون پژوهشی که فرهنگ را در همهی ابعاد و جنبه‌هایش مورد آسیب شناسی قرار دهد صورت نپذیرفته است، در حالی که اگر فرهنگ را به عنوان مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها و رفتارهای مادی و معنوی بشر، مورد آسیب شناسی قرار دهیم خواهیم توانست با تشخیص آسیب‌ها، راهکارهای مناسبی جهت پیشگیری و درمان، یافته و سطح فرهنگ جامعه‌ی انسانی را بهبود بخشیم. از این رو مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ به شرح ذیل شناسایی شده است.

آسیب های فرهنگ

الف- خردستیزی و خردگریزی: از مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌ی اسلامی، تقدّم عقلانیت بر ایمان است. اسلام اگرچه تمام انسان‌ها را به ایمان فرا می‌خواند اما توصیه می‌کند که این ایمان ورزی همراه با اندیشه‌ورزی باشد. از میان آفریده‌های خداوند، حیوانات نیز دارای تفکرند و حتی مانند انسان دارای آراء فردی و اجتماعی هستند و حرکاتی که در راه بقاء و جلوگیری از نابودی از خود نشان می‌دهند همه، نشان از فهم و شعور آن‌ها دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷). داستانی که در قرآن کریم از مورچه و سلیمان حکایت شده نیز مؤید این معناست. (نحل: ۱۸). از طرفی پژوهش‌های روان شناسی معاصر در مورد صفات شخصیتی حیوانات نیز این نکته را تأیید می‌کند. روان شناسانی چون موريس يال و دافی کاترین در سال ۲۰۰۲، مارتین، ایموگن و گائوسی در سال ۲۰۰۷ و ارهارد، مک لود و هوپر در سال ۲۰۰۹، تست‌های مختلف شخصیتی را در مورد حیوانات به کار بسته و نتایجی عجیب در تأیید وجود تفکر و شخصیت در حیوانات ارائه دادند. (نیک صفت، ۱۴۰۱). اما باید توجه داشت که انسان‌ها و حیوانات در بینش‌ها و گرایش‌ها متفاوتند. در ناحیه‌ی بینش و آگاهی، بینش حیوان تنها به وسیله‌ی حواس ظاهری به دست آمده و محدودیت زمانی و مکانی دارد. در ناحیه‌ی گرایش نیز خواسته‌های حیوان محدود است یعنی مادی، شخصی و محدود به زمان و مکان است. پس انسان که هم بینش و آگاهی‌اش مراتب مند است و هم گرایش‌هایش به دلیل کمال گرایی و آرمان خواهی می‌تواند سطح مطلوبی داشته باشد (اقتباس از کتاب انسان و ایمان، مطهری) انتظار می‌رود با کمک اراده و اختیار، کارآمدترین تصمیمات را بر اساس عقل خود اتخاذ کند. هیچ دینی مانند اسلام

با عقل، پیوند نزدیک نداشته و برای آن حق قائل نشده است. حق دخالت عقل از آن جا پیدا شده که مقررات اسلامی با واقعیات زندگی سر و کار دارد. (مطهری، بی تا) در اندیشه‌ی اسلامی، انسان خردمند کسی است که بتواند با عقل خود بر قوای نفسانی اش

تسلط یافته و آنها را انتظام بخشد. وضعیت وجودی انسان، مانند کشوری است که قوای مختلفی را در اختیار دارد. انسانی که قوا و اعضای او محکوم نفس حیوانی است هیچ گاه از قوای عاقله اطاعت نمی کند. در نتیجه رذایل اخلاقی ریز و درشت که در زندگی فردی و اجتماعی برخی مشهود است نشان از خردگریزی یا خردستیزی دارد و در صورت تکرار و عادت، تبدیل به فرهنگ شده، همه‌ی افراد جامعه را آلوده کرده و از نسلی به نسل بعد، منتقل می شود.

ب- فردگرایی و خودمحوری: حتی اگر در ظاهر مسلمان باشیم ولی خودمحوری و کامجویی را اساس همه‌ی روابط و تصمیمات خود قرار دهیم با فردی که پیرو مکتب اومانیسم و اصالت انسان است تفاوتی نخواهیم داشت. مهم ترین آسیب برای فرهنگ یک جامعه، فردگرایی است. متأسفانه دنیای امروز با شعار دهکده‌ی جهانی و توسعه‌ی روزافزون به سمت فردگرایی حرکت کرده و حلقه‌های انسانی متصل به یکدیگر را پاره می کند. فردگرایی نتایجی چون بی تفاوتی و سودانگاری را به همراه می آورد که آفت فرهنگ انسانی و خلاف آموزه های وحیانی است. حتی فردگرایی در تناقض با سبک اسلامی برگرفته از سیره‌ی معصومین (ع) است. امام رضا (ع) فرمود: هر که از خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند متعال تشکر نکرده است. (شرفی، ۱۳۸۸).

ج- مسئولیت گریزی: شکی نیست که انسان به عنوان موجودی خردمند، آگاه و مختار در قبال استعدادها، خواسته‌ها و نیازهای خود مسئول است. علاوه بر آن در قبال خانواده به عنوان یک نهاد کوچک اجتماعی مسئولیت دارد. از آن جا که موجودی ذاتاً اجتماعی است نسبت به هموعان خود نیز در اجتماع، مسئول است. درست است که مسئولیت گریزی از عوارض کارکردهای غلط فرآیند جامعه پذیری است اما این آفت، تا حدّ زیادی بازتاب رفتار گروه‌های آموزشگر و ارزش آفرینی چون پدر، مادر، معلم، نماینده و دولتمردان است. به جرأت می توان گفت: کلید پایداری یک نظام اجتماعی، مسئولیت پذیری است. در حالیکه متأسفانه بسیاری افراد، گریز از مسئولیت را به زرنگی تعبیر می کنند و بزرگترین آسیب‌ها را به پیکر فرهنگ می زنند. غفلت از مسئله‌ی مسئولیت پذیری در سبک زندگی می تواند خسارت‌های جبران ناپذیری بر پیکره‌ی جامعه وارد کند. وقتی افراد نتوانند میان شیوه‌ی زندگی خود، باورها و ارزش‌های خویش ارتباط برقرار نمایند بعد از مدتی ممکن است دست از باورها و ارزش‌های خود بشویند و آن را ناکارآمد تلقی کنند. (سبحانی نژاد، ۱۳۹۳)

د- مصرف گرایی: در مسئله‌ی کیفیت و کمیت مصرف، غرب با نظریه‌های استعماری و پیشرفت فناوری و صنعتی، توانست جوامع دیگر را از حالت انسجام فرهنگی درآورده و آنان را با هجوم ارزش‌های خود به صورت چند پارچه‌ی فرهنگی متلاشی کند. صدها سبک لباس، مسکن و الگوهای آرایشی را با هجوم فرهنگی خود بر دیگر جوامع، وارد کرد و روحیه‌ی مصرف زدگی و تجمل پرستی را گسترش داد. هدف نهایی مصرف گرایی، بنیان خانواده است. عطش و میل شدید برای خرید و مصرف بیشتر، نوعی نیاز کاذب را در افراد ایجاد می کند که نتایج ناگواری برای زندگی فردی و اجتماعی مردم دارد. مصرف گرایی در تقابل کامل با فرهنگ سالم است. در چند سال اخیر، روح مصرف گرایی بر خلاف همه‌ی آموزه‌های دینی بر جامعه‌ی ایران، تسلط یافته و زنگ هشدار جدی برای فرهنگ و تمدن اسلامی است. این امر آن قدر حساس است که امام راحل به عنوان یک فقیه نواندیش، اسراف و تبذیر را حرام دانسته (خمینی، ۱۳۸۰) و از گناهان کبیره برشمرده است. (همو، ۱۴۲۱) ایشان در فرمایشات خود، عالمان دانشمند را مورد خطاب قرار داده و جلوگیری از اسراف و تبذیر را جزء اهم مسائل کشور، معرفی و به شدت خواستار اجتناب از آن شده است و در این راستا همه را

در پیشگاه حق تعالی مسئول دانسته است. (همو، ۱۳۸۵) الگوپذیری های نادرست فرهنگی و اقتصادی، آسیب های متعددی در بردارد که مهم ترین آن ها مصرف گرایی به عنوان آفتی بزرگ برای فرهنگ است.

ه- بی حیایی: در منابع اسلامی، تعاریف گوناگونی از حیا شده است. حیا ملکه ای نفسانی است که موجب انقباض نفس از فعل قبیح می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳) حیا نوری است که جوهرش، صدر ایمان است. (منسوب به امام صادق(ع)، ۱۴۰۰) حیا خصلتی است که انسان را بر ترک فعل قبیح و جلوگیری از کوتاهی کردن در حق دیگران برمی انگیزد. (نوی، ۱۴۱۹) در سیره ی معصومین (ع) نیز

حیا و عفاف، جایگاه خاصی دارد. امام رضا (ع) نیز در کلام خویش از اصل حیا سخن گفته است و از بیانات ایشان روشن می شود که حیا دو قسم است: فضیلت و رذیلت که طرح آن خارج از هدف این نوشتار است. حیایی که فضیلت به حساب می آید جزء مکارم اخلاقی است و زیربنای حیات طیبیه ی فردی است. امام رضا (ع) از پدران خویش از علی بن ابیطالب (ع) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: حیا از ایمان است. (صدوق، ۱۳۸۰) از آن جا که حیا نقش بازدارندگی از خطا و اشتباه را دارد رابطه ی تنگاتنگی با آگاهی، معرفت و خردورزی دارد. از این رو یکی از هشدارهای اجتماعی و آسیب های جدی بر فرهنگ سالم که در واقع کلید زشتی ها به حساب می آید نداشتن شرم و حیا است. چرا که زمینه های ارتکاب گناه و رفتارهای زشت را فراهم می آورد. البته باید به این مهم اشاره کرد که حیا و شرم، محدودیت جنسیتی نداشته و شامل مردان و زنان می شود. اما با توجه به ویژگی های جسمی، ذاتی و روانی زن، لازم است که بیشتر مورد اقبال زنان قرار گیرد. امام صادق (ع) فرمود: شرم و حیا ده جزء دارد که نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است. (مجلسی، ۱۴۰۳) رواج بی حیایی در جامعه ی اسلامی آسیب های جبران ناپذیری بر اندیشه و رفتار افراد وارد می سازد. از آن جا که حیا امری اکتسابی است با اراده و تلاش بیشتر می توان به آن دست یافت و موجبات سلامت و دوام و قوام فرهنگ را فراهم نمود.

و- غفلت از عرق ملی و همبستگی اجتماعی: هویت ملی، بالاترین سطح هویت جمعی در یک جامعه است که در اجتماع، همبستگی و انسجام ایجاد کرده و از طرفی یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می کند. از دیدگاه جامعه شناسی، هویت ملی به مثابه ی نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی دینی و انسانی است؛ که البته با توجه به محوریت توحید در جامعه ی ایران، این کل منسجم را می توان امت نامید. هویت ملی، همان احساس ملی است، یعنی وجود احساس مشترک میان عده ای از انسان ها که یک ملت را می سازد. (مطهری، ۱۳۶۳) سرزمین ایران، محل زندگی اقوام مختلف است. در طول تاریخ، همه ی اقوام ایرانی با تلاش ها و تحمل رنج های فراوان از نام، مرزها و عظمت ایران پاسداری کرده اند. این کشور در مقاطع مختلف تاریخی مورد تاخت و تاز قرار گرفته و دفاع از سرزمین مادری به مثابه ی عزت ایرانی و عاملی مهم در تحکیم و تثبیت وحدت ملی بوده است. از این رو هرگونه بی توجهی نسبت به عرق ملی (آگاهانه یا ناآگاهانه) می تواند آسیب های جبران ناپذیری بر فرهنگ وارد سازد.

ز- عدم واقع نگری نسبت به تمدن و تاریخ کشور: حافظه ی تاریخی هر ملت، راهگشای آینده ی اوست و در مسیر عبور از گذشته تاکنون فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرده است. واقع بینی یعنی پرهیز از تعصب و بهره گیری از نقاط قوت گذشته و اصلاح ضعف های آن که می تواند مسیر حال و آینده را روشن تر سازد. برای مثال تاریخ و تمدن ایران از دوره ی باستان تا پیش از اسلام کتابی گسترده از عبرت و شکوه است و در دوره ی اسلامی به پختگی بیشتری دست یافته است. لازمه چنین نگرش واقع بینانه ای مطالعه و پرهیز از عصبیت و جو زدگی است که در این صورت می تواند به ارتقاء سطح فرهنگ کمک نموده و از انحطاط فرهنگ یک جامعه جلوگیری کند.

ح- طاغوت زدگی: طاغوت، واژه قرآنی به معنای طغیانگری و تجاوز از حدود دینی و اخلاقی است که ۸ بار در قرآن ذکر شده است. (بقره: ۲۵۶) پیروی از طاغوت در مقابل عبادت و پیروی از خدا است (نحل: ۳۶) و حتی کفر ورزیدن به آن، مقدم بر ایمان به خدا است؛ (بقره: ۲۵۶) تفاوتی هم ندارد، طاغوت درون (نفس) باشد یا طاغوت بیرون (استکبارگران). برخی طغیان را با استکبار به معنای رودخانه‌ی سرریز شده هم معنا شمرده‌اند که مجازاً به هر نوع غروری که به عصیان بینجامد اطلاق می‌شود. (ایزوتسو، ۲۰۰۲) پیروی از طاغوت، بیشترین آسیب را به فرهنگ یک جامعه، وارد می‌کند. در حالی که ایرانیان باستان از گذشته یکتاپرست بوده‌اند و هرگز کثرت و تعدد آفریدگار را نپذیرفته‌اند. معنویت و عبادت، رکن اصلی زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان بوده است که بعدها با پذیرش اسلام به توحید ناب برخاسته از وحی به پیامبر اکرم، ظرفیت خداباوری و معنویت پذیری شان تکامل یافت. ارکان مختلف فرهنگ

ایرانیان از جمله: علم، عرفان، شعر، معماری و دیگر میراث فرهنگی و هنری نشانه‌ی تعالی روح توحیدی این ملت در طول تاریخ است. شکی نیست که این اصل اصیل فرهنگ، یعنی خداباوری و نفی طاغوت می‌تواند از طریق خانواده، آموزش‌ها و کنشگری‌های مثبت اجتماعی توسعه و ارتقاء یابد. (امام جمعه، ۱۳۷۸)

ط- هنجار شکنی و کنار گذاشتن ارزش‌ها: بسیاری از بحران‌های اجتماعی، ریشه در ساختار نامناسب یا عملکرد نادرست خانواده دارد؛ زیرا اثرگذارترین شیوه‌ی تبلیغی، تبلیغ عملی است. به همین دلیل خداوند در قرآن کریم، مؤمنانی را که گفتارشان مطابق رفتارشان نیست سرزنش می‌کند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید. (صف: ۲) ارزش‌های اصیل یعنی مفاهیم خوب و بد و هنجارها (مجموعه‌ی باید‌ها و نبایدها) بر اساس اصول، باورها و نگرش‌های توحیدی اخلاق مدار متناسب با فطرت انسان شکل گرفته است، اما اگر پدر و مادر در خانواده نسبت به این ارزش‌ها و هنجارها در حوزه‌ی نظر و عمل پایبند نباشند، خودشان و فرزندان‌شان در رفتارهای میان فردی و اجتماعی تعامل خوبی نخواهند داشت و به این شکل به فرهنگ جامعه آسیب خواهند زد.

نتیجه گیری

از برآیند مطالب مطرح شده به نظر می‌رسد برخی از مهم‌ترین موارد آسیب زای فرهنگ در جوامع انسانی شناسایی شده که تا کنون پژوهشگران عرصه‌ی فرهنگ کم‌تر به آن‌ها پرداخته‌اند که عبارتند از: خرد ستیزی و خردگریزی، فردگرایی و خودمحوری، مسئولیت گریزی، مصرف گرایی، بی حیایی، غفلت از عرق ملّی و همبستگی اجتماعی، عدم نگرانی نسبت به تمدن و تاریخ کشور.

امید است پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله، فلاسفه، جامعه شناسان، مردم شناسان و روان شناسان برای شناسایی هر چه بیشتر آسیب‌های فرهنگی تلاش کرده و این گام اساسی تشخیصی را برای پیشگیری از آفات و حتی درمان و حل مشکلات فرهنگی با افق‌های روشن‌تر و دقیق‌تری بردارند.



منابع

قرآن کریم

- امام جمعه، فرهاد، ۱۳۷۸، جامعه شناسی فرهنگی، تهران، بهمن برنا، ۱۲
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۴۰۱، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه بدره‌ای، فریدون، تهران، انتشارات فروزان روز، ۱۴۹
- خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۰، استفتائات، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۳، ۵۰
- همو، ۱۳۸۵، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۱۵، ۳۸۸
- همو، ۱۴۲۱، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۱ و ۲، ۲۱۵
- سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن، ۱۳۹۳، تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی، سراج منیر، دوره ۵، شماره ۱۶، ۱۷۰-۱۵۱
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۸۸، مهارت‌های زندگی در سیره رضوی، مشهد، به نشر (قدس رضوی)، ۵۸-۷۰
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۰، أمالی، محقق: کمره‌ای، محمد باقر، تهران، کتابچی، ج ۱، ۵۳۴
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷، تفسیر المیزان، ج ۷، ۷۹
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۶۸، ۳۲۹
- مطهری، مرتضی، بی تا، ختم نبوت، تهران، صدرا، ۱۲۸
- همو، ۱۳۶۳، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۵۷
- منسوب به امام صادق، ۱۴۰۰، مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی، ۱۸۹
- نووی، محی الدین یحیی بن شرف، ۱۴۱۹، ریاض الصالحین، بیروت، موسسه الرساله، ۲۲۹
- نیک صفت ابراهیم ۱۴۰۱ انسان از دیدگاه اسلام، تهران، پیام نور، ۲۶-۲۷